آلبانی، پلی میان دنیای اسلام و اروپا

ترجمه: محمدرضا ربیعی

آلبانی کشوری با استعداد و با ریشه قومی و روحیه غربی است که در عین حال، 70 درصد جمعیت آن مسلمان است. اروپا مخالف اسلام در آلبانی و شرکت آن در کنفرانس کشورهای اسلامی نیست. در اروپا، مسلمانان زیادی زندگی می کنند. در شهرهای اروپایی هزاران مسجد وجود دارد.

عضویت آلبانی در کنفرانس اسلامی، منافع آلبانی و اروپا را خدشه دار نمی سازد. کنفرانس یک مکانیسم مذهبی نیست. این کنفرانس کشورهایی است که یک سوم جمعیت دنیا را نمایندگی می کنند. سیاست مستقل آلبانی، مساله استقلال، هویت ملی و منافع ملی ما، مستلزم روابط با اروپا، آمریکا، خاور میانه، اقیانوسیه و غیره می باشد.

ترکیه هم یک کشور اسلامی است، ولی کاملا غیر مذهبی و اروپایی تر از خود یونان و آلبانی است. از «بنیادگرایی اسلامی به عنوان خطری برای تمدن غربی صحبت زیادی می شود. این بنیادگرایی، هیچ سیستم سیاسی - اجتماعی، ایدئولوژیکی، سیاست خاص، ارگانیسم و پیمان دولتی را نمایندگی نمی کند. باید بپذیریم که بنیادگرایی اسلامی یک سوء استفاده تبلیغاتی است. بنیادگرایی ویژه سیاست است نه مذهب. این صربستان و یونان هستند که از مدتها پیش، بر این تبلیغات دامن می زنند. وزیر امور خارجه سابق آلمان، کلاوس کینکل، در سخنرانی خود در نشست پنجم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک در سال 1995، تبادل نظر میان غرب و دنیای اسلامی را یکی از اصول برقراری صلح در دنیای امروزی نامید و خواهان تبادل نظر بیشتر بین آنها شد. او خاطر نشان ساخت که اسلام را نباید با تروریسم و بنیادگرایی یکی دانست.

صداهایی که هر از چند گاه، در مورد خط توسعه بنیادگرایی اسلامی در آلبانی به گوش می رسد، سخنان بدخواهانه ای است که از دهان دشمنان دیرینه ما بیرون می آیند. اسلام هرگز برای آلبانیایی ها مشکل نمی آفریند، بلکه بعضی از عملکردهای قدیمی امپریالیستی در اروپا و جاه طلبی های توسعه طلبانه کشورهای همسایه هستند که این سیاست را دنبال می کنند. هرکس اتهام «بنیادگرایی اسلامی » را به آلبانی می زند، بازی سیاستهای صرب و یونان و هر نیروی دیگر سنتی در اروپا را انجام می دهد. این شرافتمندانه نیست که در جنگ سیاسی در کشور ما، اعتقادات مذهبی و دوستی با ملتهای دیگر نیز تحت تاثیر قرار گیرد. اکنون از توطئه چینی های مذهبی در خدمت به سیاست استفاده می شود.

از مدتها پیش، در سطح اروپا استناد می شود که عثمانیها در راه طولانی برای ایجاد امپراتوری خود به قرآن تکیه کرده و پیروی کرده اند که می گوید: «در دین اجبار نیست.» روند تغییر دین آلبانیایی ها به اسلام، طولانی بوده و چند قرن طول کشیده است. این روند، در زمان و شرایط خاصی، به عنوان یک روند طبیعی تاریخی و به عنوان یک ویژگی معنوی، صورت گرفت. نویسنده ایتالیایی، دلا روکا، در کتاب خود، «ملیت و مذهب در آلبانی »، این مساله را شرح داده است. در سال 1935، یک دانشمند انگلیسی به آلبانی آمد و با نویسنده آلبانیایی، کشیش جرج فیشتا، دیدار کرد و به او گفت: «تنها عیبی که در آلبانیایی ها دیده، این است که انسانهایی متزلزل و حتی بدون شخصیت هستند، چون اکثر آنها، در طول قرون اشغال عثمانی به اسلام گرویده بودند». فیشتا در پاسخ گفته بود: «اگر گرایش آبانیاییها به اسلام، در طول 15 نسل، به نظر شما بی شخصیتی است، در مورد شما انگلیسی ها چه می توانیم بگوییم که به خاطر یک زن، مذهب یک امپراتوری را به طور کامل تغییر دادید».

آلبانیایی ها با اینکه به اسلام رو آوردند، هیچ گاه ارتباطات با یکدیگر و با اروپای غربی را قطع نکردند و همیشه خود را بخشی از اروپا احساس کرده اند. مسلمانان آلبانی اروپایی بوده و خواهند بود. ملتهای مسلمان به خاطر روحیه مذهبی خود، ولی در عین حال به خطر بردباری کلاسیک اسلامی، برجسته می شوند. از قرن هفتم تا قرن شانزدهم، کشورهای اسلامی تمدنهای باستانی را به اروپا انتقال داده اند و فرهنگ جهانی را رهبری کرده اند و فلسفه، علم و فن را توسعه دادند.

شخصیتهایی مانند ژان پل سارتر، برتراند راسل و برناردشاو، اسلام را به عنوان آلترناتیوی برای حل بسیار از مسائل که بشریت از آن رنج می برد، پذیرفتند.

چرا دست خون آلود در کوزوو قطع نمی شود؟ زیرا به نفع بنیادگرایی ارتدوکس بلگراد، آتن و مسکو است. چرا اروپا اوضاع در کوزوو را تماشا می کند و چرا از استقلال آن و از وحدت ملی قومی آلبانیایی ها حمایت نمی کند؟ برای اینکه ترکیب مذهبی، به نفع اسلام تغییر نیابد.

این باد ضد اسلامی، سرانجام به توفان ضد ملی می انجامد. ولی با وجود این بادها، اسلام به خاطر نقش جهان شمول خود، در سراسر دنیا مورد استقبال قرار گرفته است. دهها دانشمند، نویسنده و روشنفکر در سراسر جهان، اسلام را پذیرفته و به مسلمانی فداکار تبدیل شده اند. فضانورد آمریکایی، آرمسترانگ، کسی که برای اولین بار قدم به ماه گذاشت، نمونه ای از این افراد می باشد که مدتی بعد از بازگشت به زمین، به یک مسلمان خوب تبدیل شد.

با وجود حملات مختلف، اسلام در انجام وظیفه خود که پیام الهی برای برادری بین ملتها و صلح با همه ادیان الهی می باشد، پیشرفت خواهد کرد. برای پی بردن به جایگاه مذهب در زندگی ملت آلبانی و روابط این ملت با کشورهای دیگر، از پروفسور نجیب الکان، متولد جیروکاسترا و تحصیل کرده ترکیه، نقل قول می کنیم. او می گوید: «روابط ترکیه و آلبانی یک تاریخ 5 الی 6 قرنی است ... این مذهب نیست که ما را با ترکیه پیوند می دهد. هر دو دولت، غیر مذهبی هستند; یعنی روابط آلبانی - ترکیه، روابط بین کشورهایی که عضو کنفرانس اسلامی می باشند، نیست، بلکه روابطی است که بر اصول جهانی روابط بین المللی تکیه دارند.

اسلام به مساله ای که امروز بشریت متمدن بدنبال آن است، پاسخ می دهد: «پیوند بین اعتقادات مذهبی و زندگی عملی ». اسلام به حفظ هماهنگی میان جنبه معنوی و جنبه خارجی زندگی اجتماعی برای دستیابی به سعادت انسان علاقه مند است. در این مورد گوته خاطر نشان می سازد: «اگر اسلام این است، پس ما بر طبق اسلام زندگی می کنیم ».

منبع:

سفارت ج. ا.ا - تیرانا، به نقل از روزنامه آلبانیا، 27/11/1988.